

متن پرسش

موضوع سوالات: عقاید، اخلاق با سلام خدمت استاد گرانقدر و تشکر بابت زحماتی که متقبل می شوید بنده چند سوال در ذهنم داشتم که مدتی است ذهن من را مشغول کرده اند. ۱- چطور می توان اینقدر به وجود و صفات خالق یقین داشت که اگر پرده از چشم برداشته شود هیچ تغییری در آن یقین به وجود نیاید؟ بنده احادیث و آیات قرآن را نگاه انداختم و متوجه شدم ائمه از نظم سخن می گویند. همچنین قرآن هم از نظم سخن گفته. این نظم بنابر ساختار مادی جهان به وجود آمده و بر پایه سختاری است که ذرات در این جهان داشته اند. مگر اینکه بگوییم خدا در خلقت جهان مستقیماً دخالت داشته (مثل اینکه اعجازی داشته باشد) که این هم معلوم نیست و مثل اینکه خداوند با توجه به ساختاری که در جهان خلق کرده تا جای ممکن تمایل به دخالت مستقیم در آن ندارد. نظریه های جدید و نظریه های بعدی این را تایید می کنند که روال خلقت جهان از زمان آغاز خلقت تا به حال خودجوش پیش رفته است. نظم دقیق این جهان هم مربوط به نظم دقیق ساختار و قوانین دنیاست که از آغاز وجود داشته اند. چگونه می توان به وجود خالق یقین داشت در حالی که این جهان مادی همینطور هم این قوانین را داشته و خودش هم تا به حال جلو آمده است؟ این سوال که چگونه می توان به وجود خالق یقین داشت سالهاست که ذهن من را مشغول نموده که امیدوارم شما بتوانید در یافتن جواب من را کمک کنید. ۲- سوال بعدی من راجع به این است که من خیلی از اعمال را نه برای ثواب و عقاب، بلکه از روی چیزهای دیگر انجام می دهم. دروغ نمی گویم چون از دروغ بدم می آید. اگر به کسی کمک کنم به جهت دلسوزی است. رعایت قانون به جهت احترام به دیگران است. احترام به دیگران هم به جهت یکسری قوانین اجتماعی است. خیلی از اعمال از روی فطرت انجام می پذیرد. سوال بنده از جنابعالی این است که آیا این اعمال ثوابی هم برایشان در نظر گرفته می شود و آیا موجب رشد روحی خواهد شد؟ بنده این سوال را از یکی از عزیزان پرسیدم و جواب نه بود. ۳- بنده در آخر دوره کارشناسی هستم. اگر بخواهم در همین رشته وارد بازار کار بشوم ممکن است بتوانم کاری گیر بیاورم. اما مسائل دیگری هم هست. بنده حرفهای آقای پناهیان را درباره رسانه و اینکه کار رسانه ای کم است و اولویت است، شنیدم. خود بنده هم تا حدودی چنین دغدغه هایی دارم و به مستند سازی بی علاقه نیستم. منتها نمی دانم کدام راه را باید انتخاب کنم. تا حدودی هم می ترسم. از اینکه درسی که خوانده ام را رها کنم و خانواده من را سرزنش کند. از اینکه نتوانم امرار معاش کنم و کسبی داشته باشم. از اینکه نتوانم در این راه ثابت قدم باشم و بلغزم. امیدوارم در این مورد هم شما بتوانید کمک کنید تا تصمیم درست را اتخاذ کنم. می ترسم تصمیم از روی احساس یا به قولی جوگیری باشد

و بعدا نتوانم پای آن بایستم و بیچاره شوم. ۴- سوال دیگر بنده این است که من نمی توانم کاری را به طور تخصصی تا انتها پیش بروم. یعنی بتوانم در آن کار تا حد زیادی پیشرفت کنم. نه اینکه نتوانم خیلی برایم سخت است. چون نمی خواهم هم شکل آن شغل شوم. در آن کار خلاصه شوم. البته مثلا در مورد مطالعات دینی هم همین طور است و نمی توانم پیگیر باشم. زود خسته و زده می شوم. در مورد مطالعات دینی چند بار سعی کرده ام کتب شهید مطهری را مطالعه کنم که اصلا نتوانسته ام. نمی دانم چه کنم که این اخلاق رفع بشود. از حنابعالی بسیار بسیار سپاسگزارم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- فکر می‌کنم اگر در کتاب «از برهان تا عرفان» بحث برهان صدیقین را با سیدی شرح آن دنبال کنید جواب سؤال خود را بگیرید ۲- هر عملی را باید با انگیزه و رویکرد رجوع به حق انجام دهیم تا نور حضرت حق بر ما آشکار شود وگرنه پس از مدتی تأثیر آن عمل از احساس ما خارج می‌شود ۳- در هر حال سعی کنید نسبت به امرار معاش خود سهل‌انگاری نکنید ۴- *إن شاء الله* کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» کمک می‌کند، کتاب قطوری نیست که نتوانید تا آخر ادامه دهید. موفق باشید